



معانی و مفاهیم واژه حق در قرآن / فقط 40 بار کلمه حق در قرآن مفهوم حقوقی دارد

کلمه حق در قرآن حدود 247 بار با ترکیب 227 بار به صورت الحق، 17 بار به صورت حقا و 3 بار به صورت حقه به کار رفته است، اما در بیش از دویست مورد مفهوم حقوقی ندارد.

کلمه حق در قرآن حدود 247 بار با ترکیب 227 بار به صورت الحق، 17 بار به صورت حقا و 3 بار به صورت حقه به کار رفته است، اما در بیش از دویست مورد مفهوم حقوقی ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، کلمه حق در قرآن معانی فراوانی دارد که در بیشتر موارد با مسائل حقوقی بی ارتباط است. این کلمه در قرآن حدود 247 بار به این ترکیب 227 بار به صورت الحق، 17 بار به صورت حقا و 3 بار به صورت حقه به کار رفته است. اما در بیش از دویست مورد مفهوم حقوقی ندارد، مثلاً گاهی به عنوان صفت برای خدای متعالی استعمال شده است مانند؛ ذلک بأن الله هو الحق؛ اینها به خاطر آن است که خداوند حق است. گاهی در مورد کارهای خداوند به کار رفته است مثل؛ ما خلق الله السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق؛ خدا آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آن دو است جز به حق نیافرید. مراد آن است که کار خدا لهو، لعب، لغو و عبث نیست، بلکه یکسره حکیمانه است.

حدود چهل جا در قرآن کلمه "حق" به گونه ای به کار رفته که مفهوم حقوقی دارد. در بیشترین موارد کلمه مذکور به یکی از این دو صورت استعمال شده است؛ به عنوان صفتی برای فعل انسان مکلف به کار رفته است مثل؛ ذلک بانهم کانوا یکفرون بایات الله و یقتلون النبیین بغير الحق؛ این خواری و بی نوایی و گرفتار خشم خدا بودنشان از آن روست که به آیات الهی کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. در این آیه عمل یهودیان یعنی کشتن پیامبران به "ناحق" وصف شده است. در بیشتر موارد کار کسی با صفت "به حق"، شایسته و مشروع" وصف می شود که وی حقی به مفهوم حقوقی داشته باشد ووقتی فعل خاصی را به "ناحق" ناشایسته و نامشروع" وصف می کنند که فاعل آن صاحب حق به مفهوم حقوقی نباشد. مثلاً اگر کسی حق کشتن دیگری را داشته باشد و این حق خود را اعمال کند و او را بکشد می توان گفت عمل او "به حق" بوده است، برخلاف کسی که شخصی را بکشد که حق کشتن او را ندارد، در چنین صورتی عمل او "ناحق" قلمداد می گردد.

همچنین کسی که در خانه خود سکنی گزیند یا با اذن صاحب خانه وارد آن شود کاری "به حق" می کند، زیرا هر کسی حق دارد که در خانه خویش سکنی گزیند یا با اذن صاحب خانه وارد آن شود. پس اگرچه "حق داشتن" و به "حق بودن" دو مفهوم متغایرنده و اولی به آدمیان نسبت داده می شود و دومی به افعال و اعمال آنان، لکن در بیشتر موارد هر دو مفهوم بر هم منطبق می شوند و درباره شخصی که کاری می کند که حق انجام دادن آن را دارد می توان گفت حق دارد که چنین کند یا کارش کار حقی است.

از جمله مواردی که کلمه "حق" در قرآن به این معنا استعمال شده این آیات می باشد؛ آیات 181/112/21 از سوره آل عمران و آیه 155 از سوره نسا که در آنها کشتن پیامبران الهی عملی "به غیرحق" معرفی شده است. همچنین آیه 151 از سوره انعام و آیه 33 از سوره اسرا که در آنها از قتل نفس محترمه به ناحق نهی شده است و آیه 68 سوره فرقان که یکی از ویژگی های بندگان راستین خدا را این می داند که نفس محترمه را جز به حق نمی کشند و آیه 33 از سوره اعراف که می فرماید؛ پروردگار من.... بغي به غیر حق را حرام نموده است و آیه 23 از سوره یونس و آیه 42 از سوره شوری که در هر دو به "بغی در زمین به ناحق" اشاره می کند.

در آیات 146 از سوره اعراف و 39 از سوره قصص و 15 از سوره فصلت و 20 از سوره احقاف و 40 از سوره حج و 75 غافر، همین تعبیر به کار رفته و بعضی از افعال ناشایست به "ناحق" وصف شده است.

فعل قضا و حکم به معنای داوری نیز یکی از افعال انسان است که در قرآن گاهی با صفت "به حق بودن" وصف شده است. قضاوت آنگاه به حق است که قاضی و حاکم حق داوری داشته باشد و طبق موازین معتبر حقوقی داوری کند در غیر این صورت "به ناحق" خواهد بود. قرآن می فرماید؛ ای داود! ما تو را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن.

در قرآن در مورد داوری به حق علاوه بر تعبیر "بالحق" دو تعبیر "بالعدل" و "بالقسط" هم به کار رفته است که نشان می دهد این سه مفهوم خیلی به هم نزدیکند؛ در آیه 42 از سوره مائده به پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمان می دهد که؛ و اگر حکم کردی در میان ایشان

به قسط حکم کن که خدا عادلان را دوست دارد. و در آیه 58 سوره نساء می فرماید؛ خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید.

در قرآن داوری های الهی نیز با "قسط" و "حق" وصف شده است. مانند؛ پیامبر گفت؛ پروردگارا؛ به حق داوری فرما. و الله یقضي بالحق؛ و خداوند به حق داوری می کند. در دو آیه نیز حق در مورد تکلیف استعمال شده است؛ *حقاً علی المتقین*؛ این حقی است بر پرهیزکاران. (آیه 124/180 سوره بقره) *حقاً علی المحسنین*؛ این حقی است بر نیکوکاران. (آیه 236/بقره)

در این آیات اگر چه تکالیفی برای متقین و محسنین معین و ثابت شده است با این همه تعبیر "حقاً" به کار رفته است البته حقی برآنان و این خود موید آن است که هر جا حقی برای کسی هست حقی "تکلیفی" بر کسی دیگر نیز وجود دارد.